



خبرسازان

مستمری معلولان پرداخت نشد

مستمری افراد زیر پوشش سازمان بهزیستی این ماه پرداخت نشده است و بسیاری از این افراد که از جامعه معلولان هستند، برای تامین هزینه‌های دارو و درمان خود با مشکل جدی مواجه شده‌اند. به گزارش شبکه شرق، معلولان و خانواده‌های آنان می‌گویند که برای پیگیری این موضوع سرگردان نهاد‌های مختلف شده‌اند؛ از بانک و سازمان بهزیستی گرفته تا وزارت کار و سازمان هدمندی یارانه‌ها، اما نتوانسته‌اند پاسخ روشنی دریافت کنند. طبق تبصره هشت قانون بودجه سال ۱۴۰۳، باید مستمری افراد زیر پوشش سازمان بهزیستی به حساب سازمان هدمندی یارانه‌ها واریز شود و این سازمان اعلام کرده بود که بیستم ماه مستمری افراد زیر پوشش سازمان بهزیستی پرداخت می‌شود، اما تاکنون مستمری افراد زیر پوشش سازمان بهزیستی پرداخت نشده است.



هدشار نارنجی در ۷ استان

کارشناس سازمان هواشناسی با اشاره به صدور هشدار نارنجی هواشناسی از تشدید و تداوم بارش‌ها در هفت استان کشور تا اوایل هفته آینده خبر داد. فریبا گودزی با اعلام صدور هشدار نارنجی در پی بارش‌های رگباری گفت: «بارش‌ها تا اوایل هفته آینده با شدت و ضعف ادامه‌دار خواهد بود؛ امروز برای استان‌های خراسان رضوی، خراسان شمالی همچنین فردا برای نیمه خراسان رضوی، شمال آذربایجان شرقی، آردبیل، کهگیلویه و بویراحمد و نیمه شمالی فارس، بارش‌ها در سطح هشدار نارنجی است و احتمال آب‌گرفتگی معابر دور از انتظار خواهد بود. البته به‌جز بارش‌های سنگین، در استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، شمال فارس و فردا شرق کرمان وزش بادهای شدید، حتی در مناطق مستعد طوفان گردوغبار و شن رخ خواهد داد که منجر به کاهش دید و کیفیت هوا خواهد شد.» کارشناس هواشناسی با اشاره به افزایش وزش باد در پایتخت گفت: «در استان تهران تا پایان پنجشنبه وزش باد شدید خواهیم داشت، همچنین تهران فردا در درجه کاهش دما دارد.»



مسدود کردن کدملی محکومان ممنوع

حمزه خلیلی، معاون اول قوه قضائیه در پی دستور رئیس قوه قضائیه درباره مشکلات ناشی از انسداد کدملی افراد، با صدور بخشنامه‌ای همه مراجع قضایی را از مسدود کردن کدملی متهمان و محکومان، منع کرد. به گزارش خبرنگاران این قوه قضائیه، رئیس قوه قضائیه در نشست فصلی شورایی عالی قوه قضائیه (۳۰ فروردین ماه ۱۴۰۳)، ضمن انتقاد از برخی احکام قضایی گفته بود: «با صدور احکام ناظر بر محرومیت‌های اجتماعی افراد مجرم و خاطی نباید به گونه‌ای عمل شود که زندگی فرد یا خانواده او فلج شود؛ برای نمونه، توقیف و مسدود کردن «کدملی» فرد، از آن دست اقداماتی است که مگر در موارد استثنایی و خاص، واقعا ضروری ندارد.» او در بخشنامه‌ای که خطاب به رؤسای کل دادگستری استان‌ها صادر کرد، به آن‌ها متذکر شده است: «محروم کردن اشخاص از حقوق شهروندی با استفاده از مسدودسازی کدملی، فاقد وجهات قانونی بوده و لازم است مراجع قضایی از این اقدامات اجتناب کنند.» براساس این بخشنامه، رؤسای کل دادگستری‌ها موظف به نظارت بر حسن اجرای این بخشنامه هستند.

اطلاعات رسانی ممنوعیت تنبیه بدنی به همکاران کرده و اعلام شده که در صورت تخلف معلمان از این تکلیف گزارش آن را به اداره آموزش و پرورش ارائه کنند. همچنین مستند به بندهای ۱ تا ۴ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، اعمال کننده تنبیهات مذکور متخلف است و پس از معرفی به هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و بررسی پرونده توسط هیئت‌ها، متناسب با اعمال و رفتار او حکم صادر می‌شود. در کنار همه اینها هم مجازات اداری برای متخلفان در نظر گرفته شده. طبق ماده ۶۰۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی اهانت، هتک حیثیت و... افراد، مجازات کیفری نیز خواهد داشت. برابر ماده واحده استفسار به ماده مذکور منظور از توهین را به کار بردن الفاظی می‌داند که موجب تحقیر و تحقیر طرف مقابل شود. همچنین اگر تنبیه بدنی موجب کمبودی، شکستگی و هرگونه صدمه به دانش آموز شود، طبق ماده ۴۸۸ قانون مجازات اسلامی، موجب تعلق دیه نیز می‌شود.

علی زرافشان، سال‌ها سابقه معلمی و دبیری در مقاطع راهنمایی را داشته. او مشاور آموزشی وزیر آموزش و پرورش در دهه ۸۰ بود و از سال ۹۲ به عنوان معاون آموزش متوسطه آموزش و پرورش فعالیت می‌کرد. طرح تعالی مدیریت مدارس از جمله طرح‌های انجام‌شده در دوره مسئولیت او بود. او می‌گوید که تنبیه در یک دوره‌ای در مدارس عادی بود. استفاده از ترکه و خط‌کش، مداد و خودکار برای تنبیه دانش‌آموزان از عادی‌ترین روش‌ها بود، این روند به تدریج تغییر کرد و نوع نگاه معلمان و اولیا متفاوت شد. آموزش و پرورش هم به این نتیجه رسید که نباید دانش‌آموزان را تنبیه بدنی کند. در همین راستا هم مصوبه‌ای تدوین و قرار شد با متخلفان مطابق با مقررات برخورد شود. بعد از این قوانین هم میزان تنبیه بدنی کم شد. در این میان ناظرانی هم برای اجرای این مصوبه در نظر گرفته شدند. او می‌گوید که در دوره تصدی گری در این وزارتخانه، کمیسیون آموزش مجلس از آنها خواسته بود تا بروند و درباره قوانین مرتبط با تنبیه بدنی دانش‌آموزان توضیح دهند: «قانون این موضوع را ممنوع کرده و مسئولان آموزشی و تربیتی در مدرسه و وزارتخانه، باید نسبت به حسن اجرای قانون نظارت داشته باشند. دستگاه‌های نظارتی پیرامون آموزش و پرورش هم در اجرای این قانون باید نظارت داشته باشند.»

گوشت و پوست برای شما، استخوان برای ما

تنبیه بدنی از مکتب‌خانه‌ها آمده. محمود کتیرایی، نویسنده کتاب «از خشت تا خشت» در بخشی از کتابش که درباره فرهنگ عالمه است، آنجا که به مکتب‌خانه‌ها می‌رسد، از تنبیه بدنی در این مکان نوشته: «از ابزارهای مکتب‌داری، چوب و فلک و از واجبات آن تنبیه و کتک بود. پدر و مادر هنگامی که بچه‌را به مکتب می‌بردند، معمولاً به مکتب‌دار می‌گفتند: گوشت و پوستش از شما، استخوانش از ما.» او اضافه کرده: «کتک زدن کودک عامل اصلی پرورش او به‌شمار می‌آمد. چوب و فلک همواره وارد دست مکتب‌دار بود. افزون بر این یکی، دوشلاق هم به دیوار مکتب‌خانه آویخته بود و چوبی از درخت آلبالو و بسیار بلند نیز همیشه در دست داشت که با کشاله رفتن می‌توانست سسر آن را به ته اطاق برساند. به اندک بی‌توجهی و تکان خوردن، چوب بر سر و کله کودک فرود می‌آمد. تقریباً هیچ بچه مکتبی نمی‌شد یافت که از چوب مکتب‌دار، نوش جان نکرده باشد. باور مردم در این باره از کلام زیر خوانده می‌شود: چوب آخوند(مکتب‌دار) گُل، هر کی نخور خُل.» بیم دادن کودک به انداختن او به سیاه چالی که در آن مار و عقرب خانه کرده‌اند نیز رویی داشت. برخی از تنبیهات ویژه دختر بچه‌ها بود مانند نیشگون گرفتن تن بچه، به‌طوری که جانی آن نبود و سیاه می‌شد و سوز زدن به پشت دست‌های آن‌ها. تنبیه کودک در ظاهر برای تربیت او بود، اما براه استی و وابسته به عوامل گوناگونی بود؛ اگر کودکی بی چیز بود، بیشتر تنبیه می‌شد و اگر مکتب‌دار از کسی دل پری داشت و پیش آمد ناخوشایندی برایش رخ داده بود، بچه‌ها بیشتر از هر روز کتک می‌خورند...» محمدرضا نیک‌نژاد، کارشناس آموزشی با ۳۰ سال سابقه تدریس ام‌می‌می‌می‌می‌می‌می‌می گوشت و پوست برای شما و استخوانش برای ما را زیاد شنیده و می‌گوید که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ اغلب خانواده‌ها چنین نظری داشتند: «مکتب‌خانه‌ها مرکز خشونت علیه دانش‌آموزان بودند و مدرسه‌نویس هم تا اندازه‌ای تحت‌تأثیر این مکتب‌خانه‌ها بود. به‌طوری که فرایندهای آموزشی با زور، کتک، اجبار و تنبیه همراه شد. درحال حاضر این خشونت‌ها کم شده اما به صفر نرسیده. به هر حال آموزش و پرورش با نزدیک به ۱۱۵ هزار مدرسه، ۱۶ میلیون دانش‌آموز و یک‌میلیون معلم- از پایگاه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و روحی متفاوت- به هر حال دچار چنین وضعیتی هم می‌شود؛ در سطح نگران‌کننده‌ای قرار داریم اما روند رو به بهبود است.

به گفته این کارشناس آموزشی، تنبیه بدنی در مدارس ریشه‌های تاریخی- اجتماعی دارد: «کتابی می‌خواندم به اسم مدرسه یا زندان که در آن به واقعبیت‌هایی در ادبیات اشاره کرده بود که حول محور تنبیه بدنی می‌چرخد؛ آن هم تنبیه بدنی که در راستای آموزش و یادگیری است. به‌طورکلی این تفکر از گذشته وجود داشته که برای آموزش کارآمدتر باید از زور استفاده کرد. تنبیه بدنی جنبه آموزشی داشت. به هر حال معلم اقتدار داشت، سنش بالاتر بود، یک تقدس برآمده از علم و دانش هم همراهِش بود و به خود حق می‌داد تا دانش‌آموزان را اکتب بزند. به تدریج اما در آموزش و پرورش نوین، از همان سال‌های اول، قوانین ضدتنبیه در چارچوب اساسنامه‌های آموزشی نوشته شد اما به دلیل اینکه این مسئله فرهنگی بود، همچنان از آن استفاده می‌شد.» او می‌گوید که هم در بُعد امنیتی و سیاسی و هم در خانواده، همه از روش‌های تنبیه بدنی استفاده می‌کردند و این مسئله در آموزش و پرورش به جزئی از جامعه است هم‌مستثنی نبود.

در آن دوره بالا بود.» خبر شکایت وزارت آموزش و پرورش از عوامل سرریال «افعی تهران» چندروز پیش آمد. این وزارتخانه نسبت به سکناس مواجهه یکی از شخصیت‌های این سرریال با ناظم مدرسه و اشاره به تنبیه بدنی او، تحت‌عنوان توهین به مقام معلم، اعتراض کرد. این ماجرا اما به دادستانی هم کشیده شد. به‌طوری که غلام‌عباس ترکی، معاون حقوق عامه دادستان کشور در نامه‌ای از دادستان عمومی و انقلاب تهران خواست ضمن تشکیل پرونده قضایی جهت رسیدگی به تخلفات سازندگان و عوامل تولید سرریال «افعی تهران»، چگونگی صدور مجوز و نحوه نظارت بر تولید و پخش مجموعه مذکور از سوی ساترا را به عنوان متولی قانونی موضوع نیز در دستور کار قرار دهد. همچنین مدیرکل حقوقی، املاک و معاضدت قضایی وزارت آموزش و پرورش از شکایت و اعلام جرم رسمی دفتر حقوقی و قضایی وزارت آموزش و پرورش علیه دست‌اندرکاران اصلی سرریال‌های نمایش خانگی خبر داد. او تأکید کرد که در جهت برخورد با این اقدام ناشایست و غیراخلاقی نویسنده، کارگردان و عوامل سرریال یادشده، شکایت و اعلام جرم رسمی وزارت آموزش و پرورش به دادستان عمومی و انقلاب ارائه و توقف پخش سرریال مورد اشاره و برخورد قانونی لازم تقاضا شده است.

احساس گناه آموزش و پرورش

امیرحسین جلالی، روانپزشک اجتماعی اما به این نکته اشاره می‌کند که شکایت آموزش و پرورش از سرریال «افعی تهران» با عنوان توهین به معلمان، نشان‌دهنده واکنش دفاعی این وزارتخانه است. پیش‌ازاین هم گروه پرستان یا پریشان و... نسبت به موارد مشابه واکنش یکسانی داشته‌اند. مثلاً وقتی در فیلم یا سریالی، پزشکی کلاهبردار یا خاطی نشان داده می‌شود بلافاصله جامعه پزشکی واکنش نشان می‌دهد. اما سوال اینجاست که چرا ما تصور می‌کنیم وقتی یک معلم زیر سؤال رفته، تمام معلمان زیر سؤال رفته‌اند: «به نظر می‌رسد در بطن این داستان باید احساس گناهی را دنبال کرد. نمی‌توان یک تصویر را به کل جامعه تعمیم داد و اینگونه وانمود کرد که یک شغل یا یک موقعیت قدسی، به‌طور کامل زیر سؤال رفته است. از آن طرف هم واکنش‌های خشم‌آلود و توده‌وار نسبت به تنبیه معلمان مطرح می‌شود. شما اگر توئیتر فارسی را بعد از این ماجرا بررسی کنید احساس می‌کنید که مدارس ایران در دهه ۶۰ یک شکنجه‌گاه بوده است. خیلی از افراد از شرایط مدارس و تنبیه‌های بدنی که علیه آنها اعمال شده نوشتند که برخی از آنها ترازیک و دردناک است. این موضوع را می‌توان از بُعد روحی و اجتماعی بررسی کرد. به نظر می‌رسد این سرریال یک خاطره جمعی را به شکل توده‌وار بالا آورده است، قطعاً در آن دوره تنبیه بدنی شدیدی وجود داشته که در صورت مستند بودن، می‌توان شکایت کرد.»

جابه‌جایی خشم

حالا سوال اینجاست که آیا تنبیه بدنی، آثار روانشناختی دارد یا خیر؟ جلالی می‌گوید که قطعاً دارد: «تحقیر، تنبیه و خشونت به هر شکلی پیامد دارد؛ چه از سوی حاکمیت باشد؛ چه در خیابان و مدرسه و خانواده. مسئله تنبیه بدنی در مدرسه اما متفاوت است. چرا باید گروهی به اسم معلم در قالب مدارس، افراد را با تنبیه بدنی قربانی کنند و به آنها اجازه ابراز خودشان را ندهند. وقتی اجازه ابراز به افراد داده نمی‌شود آنها در جای دیگر حرف‌هایشان را خواهند زد. هیچ معلمی نمی‌تواند منکر این مسئله باشد.» او می‌گوید که تنبیه بدنی به عنوان یک پدیده اجتماعی و روانی، جابه‌جایی خشم از منبعی به منبع دیگر است که نمونه آن بیش از همه در مدارس دهه ۶۰ دیده می‌شود.

این روانشناس معتقد است که آموزش و پرورش به دلایل مختلفی درهای بسته و محققان در حوزه روانشناختی، توانایی ورود به آن را ندارند. البته در سال‌های اخیر گشایش‌هایی دیده شده اما به هر حال، درها باز نیست: «هر سیستمی که بگوید برای موضوعات سلامت روان، خودش اصلاح ایجاد می‌کند نشان می‌دهد که کار به شکل جامعی که یک نهاد دانشگاهی می‌تواند آن را انجام دهد، صورت نمی‌گیرد. به اعتقاد من بخشی از این اتفاقات به دلیل دوری گزینی آموزش و پرورش از نهاد‌های عام دانشگاهی و محققان مستقل است.» به گفته او، این اتفاقات با شکستن سکوت همراه می‌شود: «در میان مراجعه‌کنندگان من هم مواردی بوده که تحت‌تأثیر این تنبیه‌ها، دچار اختلالاتی شده باشند، حتی برخی نمونه‌ها دراماتیک هم است اما به هر حال وقتی آب جمع شده پشت سد با باز شدن یا شکستن سد جاری می‌شود، در ابتدا خسارت وارد می‌کند اما در نهایت سودمند است.»

قوانین خاک خورده

تنبیه در مدارس قانون دارد. براساس ماده ۷۴ آیین‌نامه اجرایی مدارس، مصوب شورایی عالی آموزش و پرورش، اگر دانش‌آموزان نسبت به وظایف خود قصور و سهل‌انگاری کنند، تخلف کرده‌اند و به استناد ماده ۷۶ آیین‌نامه، تنبیه می‌شوند. تنبیه اما مجاز و غیرمجاز دارد. تنبیه‌های مجاز، از تذکر و اخطار شفاهی به‌طور خصوصی، تذکر و اخطار شفاهی در حضور دانش‌آموزان کلاس مربوطه، تغییر کلاس در صورت وجود کلاس‌های متعدد در یک پایه یا اطلاع ولی دانش‌آموز، اخطار کتبی و اطلاع به دانش‌آموز، اخراج موقت از مدرسه با اطلاع قبلی ولی دانش‌آموز به مدت حداکثر سه روز و بالاخره انتقال به مدرسه دیگر. در همین آیین‌نامه اما تنبیه بدنی، اهانت و تعیین تکلیف درسی با هدف تنبیه، در گروه غیر مجاز قرار می‌گیرد. در ماده ۷۷ آیین‌نامه اجرایی مدارس در خصوص تنبیه بدنی آمده است که اعمال هرگونه تنبیه از قبیل اهانت، تنبیه بدنی و تعیین تکلیف درسی جهت تنبیه ممنوع است. در ماده ۸۲ همین آیین‌نامه مدیر مدرسه را موظف به